

مادرانه

دل‌نوشته‌های کودکی یک فرزند

نویسنده

محمّد علی ودود

www.ketab.ir

ویراستاری: گروه علمی رشد



تهران - ۱۴۰۰

ودود، محمدعلی، ۱۳۵۷

مادرانه: دل‌نوشته‌های کودکی یک فرزند / نویسنده محمد علی ودود؛ ویراستاری گروه علمی رشد.

مشخصات نشر: تهران: جوانه رشد، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۰۰: مصور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۱۶-۹۸-۵ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

عنوان دیگر: دل‌نوشته‌های کودکی یک فرزند.

موضوع: ودود، محمدعلی، ۱۳۵۷ -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره

موضوع: عشق مادرانه (Love, Maternal) شناسه افزوده: انتشارات جوانه رشد

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۳ رده‌بندی دیویی: ۸/۸۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۲۸۱

بیایید به حقوق دیگران احترام بگذاریم

دوست عزیز، این کتاب حاصل دسترنج چندین ساله‌ی نویسنده، مترجم و ناشر آن است. تکثیر و فروش آن به هر شکلی بدون اجازه از پدیدآورنده کاری غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی و کسب درآمد از دسترنج دیگران است، این عمل نادرست، موجب رواج بی‌اعتمادی در جامعه، بروز پیامدهای ناگوار در زندگی و ایجاد محیطی ناسالم برای خود و فرزندانمان می‌گردد.

مادرانه

دولانوشته‌های کودکی یک فرزند

نویسنده

محمدعلی ودود

ویراستاری: گروه علمی رشد

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰ - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آرمانسا



مرکز نشر و پخش کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی

ساختمان مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۴۱

تلفن: ۶۶۴۰۴۴۰۶

فروشگاه: میدان انقلاب، روبه‌روی سینما بهمن، خیابان شهید منیری جاوید (اردیبهشت)،

شماره ۷۱، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۶۲ - ۶۶۴۹۸۳۸۶ - ۶۶۴۹۷۱۸۱

تهران - ۱۴۰۰

فهرست

۹	مقدمه
۱۵	یک قطره دل
۱۹	طبيب دل
۲۵	پناهگاه
۳۱	تُفنگ
۳۷	گل قالی
۳۹	راز باغچه
۴۷	بافتنی
۵۱	نگاه آسمانی
۵۵	مداد جادو
۶۱	دیوار نقاشی
۶۳	دوچرخه
۶۷	طعم زندگی
۶۹	طعم گناه
۷۳	همراه
۸۱	قصه گوی شهر من
۸۷	درباره نویسنده

خواب دیدم:

پیش از سرشتن آدم، خداوند زنی آفرید...

و آن زن فرزندی داشت به نام آدم...

شیطان بر آن مادر سجده کرد و فرشته ماند...

هیچ کس وسوسه نشد...

و هیچ گاه گناهی رخ نداد...

بارها با این سؤال مواجه شده‌ام:

از کجا شروع کردید؟

چه چیزی در این مسیر قرار داد؟

راز موفقیت در این حرفه چیست؟

خوب که فکر می‌کنم می‌بینم همه چیز از کودکانه‌هایی شروع شد که با مهر او آمیخته بود.

و شوق دلخوش کردنش مسیری است که همیشه می‌خواسته‌ام در آن باشم.

راستش هنوز شغلی انتخاب نکرده‌ام!

وقتی می‌پرسند چه کاره‌ای؟

مکث می‌کنم و هر بار یک چیز می‌گویم!

آخر به راستی نمی‌دانم کی کارد میوه‌خوری و قیچی، قندشکن و لوازم آشپزخانه به مغار و اره و رنده بدل شد...

شغل من امتداد بازی‌های کودکانه‌ای است که همیشه با لیخند مادر به اوج می‌رسید و با اندوهش پایان می‌یافت و تکرار نمی‌شد، من این‌گونه هدایت شدم.

این دل‌نوشته مجموعه‌ای است از خاطراتی که بر لوح وجودم حک شده، لحظاتی که عمر مرا ساخته، مسیرم را جهت داده و هر چه غیر آن، می‌توانست سمت و سویی دیگر برایم رقم بزند.

بسیار خوشبخت بوده‌ام که مادران بسیاری در کلاس‌های هنری‌ام شرکت داشته‌اند و آن سه سؤال که گفتم، همواره از سوی مادران پرسیده می‌شود.

آن شوق مادرانه مرا واداشت خاطراتی را در گفت‌وگوهای کلاسی بازگو

کنم و خدا می داند برق چشمان مادران و تشویق آن ها مرا واداشت که مادرانه را به رشته تحریر درآورم.

همیشه حس می کنم نمی توانم آنچه را که در دل دارم برای مادر بازگو کنم...

برای همین آرزویم این است این کتاب به دست تمام مادران برسد. صفحه اول این مکتوب جای دل نوشته ای است که فرزندان به مادران خود تقدیم می کنند و برگ آخر دل نوشته ای است که مادر برای فرزند خود به یادگار خواهد گذاشت...

وقتی فکر می کنم چه تعداد فرزند و چه تعداد مادر برای هم خواهند نوشت خوشحال می شوم.

دست آخر شاید این گونه گفتنی ها گفته شده باشد...
از سرکار خانم لیلا یزدی زاده که مشوق این کار بوده اند، از سرکار خانم نوشین ابوالقاسم که با پیگیری خود موجبات ارتباط با انتشار رشد را برای چاپ کتاب میسر کردند و از خانم شادی حبیب برای همه چیز سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای مختار صحرایی مدیر محترم انتشارات رشد به جهت جملات شوق انگیزی که در اولین ملاقات در مورد این مکتوب بیان نمودند و اسباب چاپ و انتشار آن را فراهم آوردند کمال تشکر را دارم.
از خداوند برای همه برکت می طلبم.

محمدعلی ودود ۱۳۹۹/۵/۱۵

تقدیم به مادرم شهناز پورایلیایی